



عطار به روایت شفیعی کدکنی

همایش «عطار نیشابوری به روایت شفیی کدکنی» عصر روز بیستم فروردین با سخنرانی محمدعلی موحد، احمد جلالی، محمود عابدی، مریم حسینی، مهدی محبتی و مقاله‌ای از محمود فتوحی با حضور بسیاری از پژوهشگران ادبی و نویسندگان در شهر کتاب برگزار شد.

مریم حسینی پژوهشگر ادبی و از دانشجویان محمدرضا شفیی کدکنی در ادامه همایش «عطار به روایت شفیی کدکنی» به بررسی کتاب «زبور پارسی» اثر این استاد ادبیات پرداخت و گفت: اگر سال ۶۲۷ هجری قمری را سال وفات عطار بدانیم، می‌توانیم بگوییم که به فاصله ۸۰۰ سال از مرگ او، یکی از فرزندان خلیف از ده کدکن و از توابع نیشابور - زادگاه عطار - برخاسته که عشق به ابوسعید و عطار در جانش وجود دارد و این را در کتاب «زبور پارسی» نشان داده است. ۱۰۰ صفحه اول این کتاب به زندگی عطار می‌پردازد که حاصل پرسش‌های بی‌شماری است که شفیی کدکنی با آنها درگیر بوده است.

وی افزود: دکتر شفیی کدکنی نخستین شاعر شعر پارسی را ابوذر بوزجانی دانسته و همچنین درباره پیشینه شاعری عطار تحقیق کرده و نسب او را به شاعری شکرنام بازگردانده است و می‌گوید که احتمالاً او استاد عطار بوده است. زبور پارسی اساساً به زندگی عطار می‌پردازد و در واقع فرصتی است که به همه شک و تردیدها درباره عطار، نام او، محل زندگی‌اش، صدق و کذب انتساب مختارنامه و خسرونامه به او و بسیاری تردیدهای دیگر پایان دهد مخصوصاً این ابهام که عطار مشهور کدام عطار بوده است؟ وی در توضیح این موضوع گفت: در زمان عطار و حتی پس از او

شاعران و افراد زیادی آمدند و با نام عطار شعرهایی سرودند و به گفته شفیی کدکنی تنها در زمان حیات عطار ۲۴ عطار وجود داشته‌اند که البته او (کدکنی) آنها را شناسایی و معرفی کرده است. در ادامه این همایش محمود عابدی نسخه‌پژوه و منتقد ادبی با اشاره به اهمیت مشهورترین اثر عطار در میان فارسی‌زبانان یعنی منطق‌الطیر گفت: منطق‌الطیر در گستره زبان و ادبیات فارسی به اندازه‌ای کتاب عجیبی است که به حق باید آن را رأسی از مثلثی عرفانی دانست که حدیقه سنایی و مثنوی مولوی دو رأس دیگر آنند و عجیب نیست اگر حسام‌الدین چلبی به مولانا یادآوری می‌کند - یا گفته‌اند که یادآوری می‌کند - که «اسرار غزلیات بسیار شد و خوب است خداوندگار کتابی به وزن منطق‌الطیر بسرایند.» وی با مقایسه اجمالی آثار عطار، مولانا و سنایی با یکدیگر، افزود: در میان این شاعران سنایی بیشتر رو به جامعه دارد و عرفان او عرفان مردمی است. سنایی جسماً و روحاً با پای برهنه و بی‌خانمان و همیشه و همیشه در سفر بوده است. در هیچ شهری مقیم نیست و شهربند



هیچ محدوده‌ای نیست و بیشتر نقدهایش هم نقدهای زنده‌ای است. اما عطار در خودش است و سیر روحانی‌اش از خودش آغاز می‌شود و به خودش هم ختم می‌شود. زبانش هم به همین گونه زبانی خاص است با این که باید گفت همان زبان قرن ششمی و اوایل قرن هفتمی است. عابدی داستان شیخ صنعان عطار را از هسته‌های مرکزی آثار مورد استفاده حافظ دانست و گفت: داستان شیخ صنعان که قلب منطق‌الطیر است از اندوخته‌های اصلی و مرکزی اشعار حافظ است و از پس پرده بهترین اشعار او حکایت شیخ صنعان که داستان عبور از همه ارزش‌های متعارف و آداب نظام خانقاهی است، دیده می‌شود. عطار می‌رفت و مریدانش را پراکنده می‌کرد نه این که آنها را از پی خود بیاورد.

این نسخه‌پژوه در ادامه با بیان این که تصحیح شفیعی کدکنی از آثار عطار کار بزرگی بوده است، به دو نسخه مورد استفاده کدکنی در این کار اشاره کرد و افزود: نسخه‌های مراغی که کدکنی از آنها استفاده کرده خود نسخ معماواری است؛ از این نظر که این دو با دو خط متفاوت نوشته شده‌اند و معلوم نیست کاتب آنها که بوده و چگونه می‌نوشته است. دیگر این که در هر دوی این نسخ تاریخ مبهم است و دلیل این کار هم معلوم نیست. با وجود این، بی‌تردید این نسخه‌ها معتبرترین نسخه‌های موجود از آثار عطار است در عین این که باید اضافه کرد که یکی از نسخه‌ها ۲۳ بیت عطار را ندارد و دیگری ۳۲۰ بیت او را. در پایان همایش «عطار به روایت شفیعی کدکنی» مهدی محبتی منتقد ادبی هم به بررسی «مصیبت‌نامه» آخرین کتاب عطار پرداخت و گفت: کلیت آثار عطار دغدغه‌ای است برای گذشتن از ظاهر جهان و رسیدن به ملکوت، و تمام زندگی او به این سمت است که به مغز هستی و عمق آن برسد.

وی با اشاره به استقبال گسترده مخاطبان ایرانی از منطق‌الطیر عطار و بی‌اعتنایی آنها به مصیبت‌نامه او، تأکید کرد: عطار مرد درد است و تمام زندگی او یک منحنی هنری است به سمت کشف و درک این نکته که حقیقت هستی در بواطن آن است نه در ظواهرش. با این حال و با وجود استقبال از منطق‌الطیر او باید گفت اشکالاتی بر این اثر وارد است؛ در بسیاری اوقات سیمرغ را حق تعالی فرض کرده‌اند در صورتی که منطق‌الطیر مانع از قبول این برداشت است؛ سیمرغ یکی از جلوه‌های حق تعالی است و مثلاً می‌توان آن را حضرت جبرئیل یا یکی از مقربان درگاه حق تعالی دانست.

محبتی اضافه کرد: رهبری این مرغان هم خالی از اشکال نیست؛ یعنی با وجود رأی فقها در مورد انجام قرعه در این گونه موارد، قرعه‌کشی برای انتخاب رهبر در عین این که ساده‌ترین انتخاب است بهترین انتخاب نیست. دیگر این که معلوم نیست چرا عطار هدهد را به عنوان رهبر انتخاب کرده است؟ عدم تناسب الگوهای پرندگان با سالکان از دیگر عیوب منطق‌الطیر است. همچنین به آن اندازه که در منطق‌الطیر به تبادل سخنان پرندگان به یکدیگر پرداخته شده به خود سلوک پرداخته نشده است و در واقع تناسب منطقی بین بدنه داستان و اصل داستان که رسیدن به حضرت سیمرغ است وجود ندارد.

این منتقد ادبی به ویژگی‌های مصیبت‌نامه هم پرداخت و گفت: مصیبت‌نامه حاصل درگیری یک انسان دردمند در درون خودش با خودش است و هر چه از آغاز داستان به پایان آن حرکت می‌کنیم از آفاق به درون آدمی می‌رسیم. اگر مرغان منطق‌الطیر موجوداتی بیرونی‌اند و باید سلوکی را برای رسیدن به سیمرغ طی کنند، مصیبت‌نامه یک سفر درونی است و این مصیبت‌نامه کسی غیر از عطار نیست. این کتاب از حیث ساختار بیرونی و محتوا بسیار غنی‌تر از منطق‌الطیر است، با وجود این، طرح ساده منطق‌الطیر و نام جالب آن در مقابل طرح پیچیده مصیبت‌نامه و نام مصیبت‌بار آن از جاذبه‌ها و دافعه‌های هر دو کتاب است.

در همایش «عطار نیشابوری به روایت شفیعی کدکنی» که در آستانه ۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار برگزار شد، برخی از چهره‌های ادبی کشور مانند رضا سیدحسینی، محمود دولت‌آبادی، مجدالدین طباطبایی، اسماعیل سعادت، تهمورث ساجدی و صفدر تقی‌زاده حضور داشتند ولی با وجود این محمدرضا شفیعی کدکنی به این همایش نیامد.